شاهد تاریخی امکان رؤیت هلال در روز، قبل از مقارنه در روایت مصنف ابن ابی شیبه

تازه روایتی را گذاشته‌اند، دیدم در مصنف ابن ابی شیبه است.

> **٩٤٥٦- حدثنا أبو داود، عن عمر بن فروخ، عن صالح الدهان، قال: رئي هلال آخر رمضان نهارا فوقع الناس في الطعام والشراب، ونفر من الأزد معتكفين، فقالوا: يا صالح أنت رسولنا إلى جابر بن زيد، فأتيت جابر بن زيد، فذكرت ذلك له قال: «أنت ممن رأيته؟» قلت: نعم، قال: «أبيين يدي الشمس رأيته، أو رأيته خلفها؟» قلت: لا بين يديها، قال: «فإن يومكم هذا من رمضان، إنما رأيتموه في مسيره فمر أصحابك يتموا صومهم واعتكافهم»[1]**

صالح دهان می‌گویی در روز ماه را دیدیم و همه روزه را خوردند؛ **«فوقع الناس في الطعام والشراب»** ؛ یعنی همه خوردند. بعد می‌گویی عده‌ای معتکف بودند، می‌خواستند ببینند اعتکاف پایان یافته ای نه. شاید اعتکاف عشر بوده. وقتی ماه پایان می‌یابد باید اعتکاف را رها کنند، می‌گویند نمی‌دانستند که در اعتکاف چه کار کنند! گفتند خب نزد جابر بن زید برو. معلوم می‌شود که جابر نزد آنها مقبول بوده است. صالح می‌گویند نزد جابر رفتم و گفتم مردم در روز هلال را دیدند و روزه را خوردند، حال هم عده‌ای معتکف هستند، الآن اعتکاف را رها کنند؟! الآن ماه مبارک تمام شده؟!

جابر گفت: خودت هلال را دیدی؟ گفت بله خودم دیدم. در روز در آسمان دیدم. گفت: «أ بين يدي الشمس رأيته، أو رأيته خلفها؟»؛ قبلاً از اینها صحبت کردیم. وقتی خورشید در اواخر ماه طلوع می‌کند، در طرف طلوع، اول خورشید از افق بیرون می‌آید، و بعد ماه بیرون می‌آید یا برعکس است؟ برعکس است. یعنی اول ماه طلوع می‌کند و بعد خورشید بیرون می‌آید. مثلاً بیست و هفتم را نگاه کنید، یک هلال باریک بیرون می‌آید و هوا نیمه روشن است. کاملاً می‌توانید هلال شب بیست و هفتم را ببینید. بعد شمس طلوع می‌کند. شب بیست و هشتم باز هلال به خورشید نزدیکتر می‌شود. لذا در شب بیست و هشتم نوعاً نمی‌توانید هلال را ببینید. یعنی وقتی خورشید طلوع می‌کند، هلال هم در نور شدید او طلوع کرده است. بیست و هشتم به این صورت

است.

7:07

پس الآن وقتی شمس به طرف غروب می‌رود؛ وقتی شمس در بیست و هفتم طلوع کرد قمر کجای او است؟ وقتی شمس به طرف غروب می‌رود، قمر «بین ید ی الشمس» است ای «خلف» آن است؟ دنبال او می‌رود تا غروب کند؟ ای جلوی روی او می‌رود؟

شاگرد: جلوی روی آن است.

استاد: بله، معلوم است. به این «بین ید ی الشمس» می‌گوییم. خب همینطور قمر به شمس نزدیک می‌شود، تا وقتی که به مقارنه می‌رسد. مقارنه یعنی درست به محاذی شمس می‌رسد. در لحظه مقارنه اگر شمس طلوع کند، در همان لحظه هم قمر طلوع می‌کند. ساعت بعد همینطور قمر عقب‌تر می‌رود؛ یعنی اگر دو ساعت بعد شمس بخواهد در جای طلوع بکند، اول، شمس طلوع می‌کند و پشت سرش قمر طلوع می‌کند؛ خلف الشمس. این امر روشن عرفی است.

جابر بن زید از صالح دهان پرسید، تو که در آسمان دیدی بین ید ی الشمس بود؟ یعنی اول قمر به طرف نصف النهار و غروب بود و بعد شمس بود؟ یعنی همانطور که شمس می‌رفت، قمر هم جلوتر می‌رفت؟ ای نه، خلف شمس بود؟ یعنی شمس جلو بود و ماه از مقارنه در شده بود؟

او گفت، «بین ید ی الشمس» بود. خیلی جالب است. یعنی هنوز هلال به مقارنه نرسیده بود. لذا او گفت این فایده ندارد. شما هلالی را دیده‌اید که هنوز دوره جدید را آغاز نکرده بود. لذا گفت: «إنما رأيتموه في مسيره»؛ او هنوز در مسیر خودش می‌رفته. نه اینکه هلال جدید باشد. این هم از نقل‌های خیلی جالب است. یعنی در روز دیده باشد و خودش هم بگوید دیدم و جای آن را هم بداند. یعنی قمر به طرف مغرب از خورشید جلوتر بود.

منظور من این بود، وقتی هلال را دیدند، ولو اشتباه کردند، اما «وقوع الناس في الطعام والشراب». از چیزهای عجیب! لذا از ناحیه شارع تأکید نیاز بوده که «اتمّوا الی اللیل». اگر روز دیدید، نگویید تمام شده. این تأکید بر این بوده که صیام را تا شب ادامه بدهید.

شاگرد: روز بیست و هفتم بوده؟ یا بیست و هشتم بوده؟

استاد: نه، بیست و هشتم هم نبوده است. اصلاً بحثی هست؛ به ابوحنیفه چیزی را نسبت داده‌اند و بعد می‌گویند نمی‌شود یا می‌شود. سر امکانیت آن بحث است. او می‌گوید ممکن نیست در صبح، اول، قمر طلوع کند، ولو در لحظه خیلی کوتاه، بعد از آن شمس طلوع کند، و در وقت مغرب برعکس باشد؛ یعنی اول شمس غروب کند و بعد قمر غروب کند. او می‌گوید ممکن نیست. عده‌ای هم گفته‌اند چرا نمی‌شود؟! روی محاسباتی که خودشان انجام داده‌اند.

مقصود روز سیام است. در روز سیام دیده‌اند. حتی در روز بیست و نهم هم همچنین چیزی نمی‌شود. شاید روز بیست و نهم با چشم‌هایی که آنها داشتند ممکن بوده باشد. و الا آن چیزی که محل کلام آنها بوده روز سیام بوده. نه بیست و هفتم. در این روایت این مسلم است.

شاگرد: یعنی روز بیست و نهم، سیام قابل رؤیت بوده؟

استاد: بله، در آسمان دیده‌اند.

شاگرد: منظور شما بیست و هشتم به بعد بود.

استاد: بله، یعنی در وقتی بوده که او بین دی را تشخیص می داده اما اندک. الآن رصد آسمان فوایدِ خیلی خوبی دارد. روز بیست و هفتم طرف صبح نگاه کنید. اول یک هلال باریک طلوع می‌کند. تا غروب هم هلال با یک فاصله‌ای از شمس جلوتر است. طرف مغرب هم اول هلال غروب می‌کند و با فاصله یک ساعت-یک ساعت و نیم شمس غروب می‌کند. روز بیست و هفتم به این صورت است، خیلی هم روشن است. اصلاً مشکلی ندارند. آن چه که آن‌ها مشکل داشتند آخر ماه بوده است. روز سیام ای بیست و نهم که در آسمان دیده‌اند.

شاگرد۲: روز سیام چطور «بین دی» بوده؟

استاد: در «بین دی» مهم این است که وقتی شما هلال را می‌بینید، آن را به طرف مغرب ببینید. اینجا خورشید است و هلال را دیدید، می‌بینید که نسبت به شمس، هلال به طرف مغرب است. این می‌شود «بین دی الشمس». اما اگر شمس را دیدید و بعد دیدید که هلال به طرف مشرق است، این «خلف الشمس» می‌شود.

شاگرد۲: عرض من این است که در روز سیام چطور تصور می‌شود؟

12:30

استاد: در روز سیام که دو ماه قبل از آن دو تا بیست و نه روز بوده‌اند، قابل تصور است. این‌ها ممکن است.

بنابراین اگر جلوتر باشد هنوز مقارنه نشده است. هنوز قمر به شمس نرسیده است. در حرکت ثانیه از شرق به غرب کمکم به شمس نزدیک می‌شود تا به نقطه مقارنه برسد. بعد از این‌که رسید و در شد، دوره جدید آغاز می‌شود. این روایت جابر بر این دلالت دارد که وقتی هلال از مقارنه نشده، عرف می‌دیدند و ممکن بوده و آن شخص هم دیده. این‌ها از نظر برخی از شواهد ایدادشت‌کردنی است. چون برخی می‌گویند که ممکن نیست.

---

[1] مصنف ابن أبي شيبة (٢/ ٣١٩)

بازبینی #1
ایجاد شده 12 مه 2026 14:31:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 مه 2026 14:32:40 توسط ... .